

بررسی رابطه درون داد تعاملی از جانب مادر با نمود دانش پیشین در روایت کودک^۱

طیبه خوش بخت^۲، سیدمحمد ضیاءحسینی^۳،
فریده حق بین^۴، شهین نعمت زاده^۵

تاریخ دریافت: ۹۰/۱۰/۱۸

تاریخ تصویب: ۹۲/۱۱/۲۷

چکیده

مطالعه فرآیندهای ذهنی کودک، جز با مطالعه تجلیات آنها میسر نیست. روایت یک داستان - به عنوان نمودی بیرونی - می تواند شاهد خوبی بر دانش پیشین و توانایی زبانی کودک باشد. تجربه

^۱ این مقاله، برگرفته از رساله دکتری طیبه خوش بخت با عنوان «نمود طرحواره در روایات کودکان (با توجه به مؤلفه های میزان و نحوه تعامل مادر و کودک) به راهنمایی آقای دکتر سیدمحمد ضیاءحسینی و مشاوره خانم دکتر فریده حق بین و خانم دکتر شهین نعمت زاده است که زمستان ۱۳۹۰ در گروه زبان شناسی دانشکده ادبیات و زبان های خارجی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران ارائه شده است.

^۲ دانش آموخته دکتری زبان شناسی همگانی، دانشکده ادبیات و زبان های خارجی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران؛ khoshbakht_ta@yahoo.com

^۳ دانشیار و عضو هیئت علمی گروه زبان شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی؛ ziahosseini@yahoo.com

^۴ دانشیار و عضو هیئت علمی گروه زبان شناسی، دانشگاه الزهراء (س)؛ faridehaghbin@yahoo.com

^۵ استادیار و عضو هیئت علمی گروه زبان شناسی شناختی، پژوهشکده علوم شناختی؛ snematzad@yahoo.com

نشان می‌دهد کودکانی که در معرض تعامل مطلوب و به‌میزان کافی با مادر قرار می‌گیرند، از نظر توانایی‌های ذهنی - در مقایسه با سایر کودکان - در مرتبه بالاتری قرار دارند. بر این اساس، بررسی وجود و یا فقدان همبستگی بین درون‌داد تعاملی از جانب مادر با غنای طرحواره‌های محتوایی شکل‌گرفته در ذهن کودک و نیز با توانایی زبانی کودک در روایت‌گویی، هدف پژوهش حاضر است. این پژوهش، از نوع توصیفی (به‌طور مشخص همبستگی) است. گردآوری داده‌ها در نیمه اول سال تحصیلی ۱۳۹۱-۱۳۹۰ صورت گرفته است. نمونه آماری پژوهش، متشکل از ۱۰۰ کودک ۵ ساله ایلامی است که پس از نشان دادن یک کارتون داستانی کوتاه، به مدت ۳ دقیقه، به روایت آن می‌پردازند. محتوای گزاره‌ای و پاره‌ای از ویژگی‌های زبانی روایت‌های کودکان از داستان مشاهده شده، بر مبنای دو معیار، به‌طور مجزا، مورد بررسی قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، درون‌داد تعاملی، بر اساس یک مصاحبه سازمان‌یافته که در نتیجه مطالعات وسیع تعیین شده است، مطالعه می‌شود. نتایج پژوهش نشان می‌دهد کودکانی که در معرض تعامل مطلوب و به‌میزان کافی با مادر قرار می‌گیرند، از نظر دانش پیشین محتوایی و برون‌دادهای زبانی، از توانایی بیشتری برخوردارند.

واژه‌های کلیدی: دانش پیشین، طرحواره‌ی محتوایی، روایت، محتوای گزاره‌ای، ویژگی‌های زبانی، تعامل مادر و کودک، درون‌داد تعاملی

۱. مقدمه

از آنجا که مطالعه فرآیندهای ذهنی، جز با مطالعه تجلیات آنها میسر نیست، عرضه و تولید یک داستان - به عنوان یک تجلی بیرونی - می تواند شاهد خوبی بر ذهنیت، دانش پیشین^۱ و میزان غنای طرحواره^۲ های ذهنی کودک باشد. کودک، هنگام روایت^۳ یک داستان، به فرافکنی درونیات خود و خلق و بازآرایی معانی می پردازد و این درحالی است که متأسفانه به این جنبه معنایی و محتوایی کمتر پرداخته شده است.

دامنه تفاسیر ما بسیار گسترده تر از واژه‌هایی است که به بیان درمی آیند و این دامنه گسترده اطلاعاتی، دانش پیشین ما است (ضیاء حسینی، ۲۰۰۹؛ یول، ۲۰۰۶). دانشی که ما به عنوان کاربران یک گونه زبانی از آن برخورداریم، تنها بخشی از دانش فرهنگی - اجتماعی ما است. این دانش کلی از دنیا، نه تنها بنیان تفاسیر ما از گفتمان (کلام) است بلکه تقریباً تمام زوایای تجارب ما را نیز دربرمی گیرد. تفسیر گفتمان تا حد زیادی بر این اصل ساده استوار است که ما در گذشته چه تجاربی داشته ایم (ضیاء حسینی، ۲۰۰۹؛ براون^۵ و یول، ۱۹۸۹). اما این سؤال پیش می آید که ما چگونه همه دانشمان از دنیا را سازمان دهی و در مواقع ضرورت، تنها بخش های محدودی از این دانش را فعال می کنیم (براون و یول، ۱۹۸۹).

استفاده از مفاهیم، یکی از راه های طبقه بندی حافظه است. دسته بندی اطلاعات بر اساس اشتراکات، به شکل گیری مفاهیم منجر می شود و بسیاری از پیچیدگی ها از میان می رود. از طرفی، مفاهیم بر اساس تجارب هر شخص نیز دسته بندی می شود و بنابراین ذهن هر فرد می تواند مفاهیم مخصوص به خود را داشته باشد. مفاهیم در شبکه ای نردبانی سازمان دهی و ذخیره می شوند بدین معنا که مفاهیم جدید بر روی مفاهیم قبلی شکل می گیرند. بین مفاهیم مختلف، پیوندهایی وجود دارد و هر مفهوم با سایر مفاهیم مرتبط است. ثبات دانش جدید، مستلزم پیوند دانش جدید با دانش پیشین است و افزایش تعداد پیوندها بر ثبات و ماندگاری

¹ background knowledge

² schema

³ narration

⁴ Yule

⁵ Brown

مفاهیم جدید می‌افزاید زیرا مسیرهای چندگانه‌ای برای دستیابی به هر مفهوم فراهم می‌شود. اما نکته اساسی در شکل‌گیری مفاهیم، یادگیری آغازین است. به موازات افزایش عمق پردازش در یادگیری آغازین، دانش بیشتری در شبکه فعال می‌شود و پیوندهای بیشتری برقرار می‌گردد (گلاور^۱ و برونینگ^۲، ۱۳۸۳).

ضیاء حسینی (۱۳۸۴: ۱۰۵) می‌نویسد: «دانش پیشینه‌ای، یعنی تجربیات زندگی و آنچه که انسان از طریق این تجربیات می‌آموزد، در فهمیدن متن سخن نقش اساسی دارد. این دانش جهانی به صورت طرحواره در ذهن ذخیره شده است». به گفته گلاور و برونینگ، «مفهوم طرحواره حداقل از زمان بارتلت^۳ (۱۹۳۲) در تحقیقات مربوط به حافظه به کار رفته و یکی از مفاهیم مهم نظریه پیاژه^۴ (۱۹۸۰-۱۸۹۶) درباره رشد شناخت است...» (گلاور و برونینگ، ۱۳۸۳: ۷۳). اتکینسون^۵ و همکاران معتقدند ادراک و تفکر در قالب طرحواره‌ها، امکان پردازش سریع را فراهم می‌آورد اما این سرعت ممکن است به بهای تحریف اطلاعات باشد (اتکینسون^۵ و همکاران، ۱۳۸۵). به گفته براون و یول، تفاوت‌های فرهنگی، علائق افراد و جنسیت آنها می‌تواند در شکل‌گیری طرحواره‌ها و درک پیام به شیوه‌ای خاص، تأثیرگذار باشد (براون و یول، ۱۹۸۹).

بر اساس نظریه‌های درک خواندن، بین دو نوع طرحواره که ما برای فهم متن مورد استفاده قرار می‌دهیم، تفاوت وجود دارد: طرحواره محتوایی^۶، به اطلاع قبلی در مورد محتوای یک متن اشاره می‌کند و طرحواره صوری^۷، به اطلاع قبلی در مورد ساختار صوری یک متن اشاره دارد. طرحواره‌های محتوایی و صوری، در کنار یکدیگر، به شکل‌گیری پیام یک متن کمک می‌کنند (ضیاء حسینی، ۲۰۰۷ به نقل از کرل^۸ (۱۹۸۳)؛ ریچاردز^۹ و اشمیت^{۱۰}، ۱۳۸۴). با این حال، بر اساس پژوهش ضیاء حسینی (۲۰۰۷)، از بین دو متغیر

¹ Glover

² Bruning

³ Bartlett

⁴ Piaget

⁵ Atkinson

⁶ content schema

⁷ formal schema

⁸ Carrell

⁹ Richards

¹⁰ Schmidt

محتوا و ساختار، نقش محتوا در ادراک متن کلیدی تر است. متونی که محتوایشان برایمان مأنوس تر است، به نسبت متون نا آشنا، آسان تر درک می شوند. قابل توجه این که در پژوهش حاضر، تنها آن بخش از دانش پیشین مورد مطالعه قرار می گیرد که به مبحث طرحواره‌های محتوایی و نیز پاره‌ای از ویژگی‌های زبانی می‌پردازد.

آموزش مهارت به کودکان مستلزم عملکرد هوشیارانه و هدفمند والدین است. کنش و واکنش میان والدین و فرزند بر سلامت و موفقیت فرزند و رشد مهارت‌های ارتباطی او بسیار تأثیرگذار است و فقدان آموزش به کودک به پوشیده ماندن و عدم درک بسیاری از اسرار برای او منجر می‌شود (گاتمن^۱ و دکلر^۲، ۱۳۸۷؛ رافی^۳، ۱۳۸۷؛ حجازی، ۱۳۸۷؛ شولتز^۴ و شولتز، ۱۳۸۷؛ گینات^۵، ۱۳۸۴؛ گلاور و برونینگ، ۱۳۸۳).

بر اساس نظریه ویگوتسکی^۶، حمایت و راهنمایی افراد ماهر، جریان یادگیری را پایه‌ریزی می‌کند. ویگوتسکی معتقد است بزرگ‌سال آگاه، فعالیت‌های کودک را به گونه‌ای انتخاب می‌کند که در عین متناسب بودن با توانایی‌های کودک، به اندازه کافی چالش‌برانگیز باشد و نیز کودک را به سوی تعامل و یادگیری راهبردهای ذهنی بکشانند (برک، ۱۳۸۷).

در این پژوهش، درون‌داد تعاملی از جانب مادر، که حاصل تعامل مادر و کودک است، به کمک مصاحبه‌ای سازمان‌یافته با مادر مورد مطالعه قرار می‌گیرد. در متن مصاحبه، مواردی مانند داستان‌گویی و خواندن کتاب برای کودک، بحث و گفتگو با کودک، واکنش کودک هنگام ارتباط کلامی با مادر، میزان و کیفیت تبادل مفاهیم بین مادر و کودک، بازی با کودک، تشویق و تأیید کودک و... لحاظ شده است.

¹ Gottman

² Declaire

³ Roffey

⁴ Schultz

⁵ Ginott

⁶ Vygotsky

۲. پیشینه پژوهش

کودکان در مهارت روایت‌گویی تفاوت‌هایی اساسی با هم دارند و این تفاوت‌ها، موضوع پژوهش‌هایی بوده است که از دیدگاه‌های مختلف به مبحث روایت پرداخته‌اند.

از جمله پژوهش‌هایی که به مبحث روایت پرداخته است، مطالعه جاستیس^۱ و همکاران او (۲۰۱۰)، با عنوان «ارزیابی توانایی‌های زبانی کودکان در بافت روایی» است که تحت عنوان پروتکل ارزیابی روایی^۲ معرفی شد و پنج جنبه زبانی ساختار جمله، ساختار عبارت، توصیف‌کننده‌ها، اسم‌ها و فعل‌ها را مورد بررسی قرار داد.

وینر^۳ و همکاران (۲۰۰۸) بر ارتباط بین یادآوری والدین و روایت‌گویی کودک تمرکز کردند. یافته‌های حاصل از مطالعه این پژوهشگران نشان داد که ابزارهای روایی مورد استفاده والدین در گفتگوهای آنها در مورد وقایع گذشته، میزان مهارت‌های روایی کودکان کمتر از ۷ سال را نه تنها در بافت گفتگوهای مشابه بلکه به‌طور کلی در داستان‌گویی آنها نیز پیش‌بینی می‌کند. هنگامی که والدین به‌طور مرتب عناصر روایی پیچیده‌تری را در گفتگوهای خود با کودکان می‌گنجانند، کودکان در معرض این ابزارها قرار می‌گیرند و با گونه‌ای از تمرینات روایی آشنا می‌شوند و در نتیجه احتمال این که پیچیدگی مشابهی به روایات خود ببخشند، وجود دارد. نتایج با این پیشنهاد که کودکان مهارت‌های کلی داستان‌گویی را از مدل داستان‌گویی بزرگسالان اقتباس می‌کنند، هم‌سو است. به علاوه، تأکید والدین بر چگونگی رویداد یک اتفاق دارای اهمیت است و تنها میزان اطناب گفتگوی والدین با کودک کفایت نمی‌کند.

از جمله پژوهش‌هایی که از برخی جنبه‌ها با پژوهش حاضر شباهت دارد، پژوهش بک^۴ و کلارک-استوارت^۵ (۱۹۹۸) است. جمع‌بندی نهایی از داده‌ها و بررسی‌های این مطالعه نشان داد کودکانی که به کمک یک بزرگسال و بر طبق یک چارچوب آموزشی، به بحث و بررسی در مورد یک فیلم داستانی هدایت شدند و مورد سئوالات متعدد قرار

¹ Justice

² Narrative Assessment Protocol (NAP)

³ Wenner

⁴ Beck

⁵ Clarke - Stewart

گرفتند، در مقایسه با بحث معمول با مادرشان، داستان‌های پیچیده‌تر و با جزئیات بیشتری را بیان کردند. به‌علاوه، میزان افزایش دقت و ظرافت سئوالات مادر، بر دقت و توانایی روایت‌گویی کودک افزود.

پژوهش هابرماس^۱ و همکاران (۲۰۱۰)، روایت مادر و فرزند از وقایع گذشته، از کودکی تا ۲۰ سالگی، را مورد مطالعه قرار داد. از جمله نتایج حاصل از این پژوهش این بود که مادران، در خلال روایت مشترک با فرزند، راهبردهای حمایتی خود را با حوزه رشد فرزند هماهنگ می‌کنند.

«بررسی جامعه‌شناختی داستان‌نویسی کودکان از طریق روایت‌های خود کودکان از داستان» (یوران، ۱۳۸۷) نمونه دیگری از پژوهش‌های روایی است که با تکیه بر مؤلفه‌های جامعه‌شناسانه به دنیای روایی کودک وارد شده است. این بررسی نشان داد که کودکان به دلیل تفاوت در ساختار ذهنی، واژگان و زمینه‌های متفاوت یادگیری در ارائه روایت از تدابیر روایی مختلفی استفاده می‌کنند. به‌علاوه، با در نظر گرفتن محیط‌های اجتماعی مختلف و نیز علاقه و اهداف کودکان، می‌توان تنوعاتی در ترتیب و چگونگی رشد روایی آنان مشاهده نمود.

چاوش خاتمی (۱۳۸۵) نیز به بررسی و تحلیل روایت در آثار ادبی کودک و نوجوان با توجه به ساختار داستان و با استفاده از نقد ساختارگرایانه و مطالب آموخته‌شده پیرامون آن پرداخت.

یکی از مطالعاتی که با موضوع پژوهش حاضر ارتباط نزدیک دارد، پژوهش تومپولس^۲ و همکاران او (۲۰۰۶) با عنوان «کتاب، اسباب‌بازی، تعامل والدین - کودک و رشد در کودکان لاتینو»^۳ است. هدف از این مطالعه، تشریح رابطه بین کتاب و اسباب‌بازی در خانه، تعامل والدین - کودک و رشد کودک تا ۲۱ ماهگی در بین کودکان خانواده‌های کم‌درآمد لاتینو بود. ارزیابی‌ها و نتایج این پژوهش نشان داد که وجود کتاب و اسباب‌بازی

^۱ Habermas

^۲ Tomopoulos

^۳ در تارنمای <http://dictionary.reference.com> (تاریخ ۱۳۹۰/۹/۳۰)، واژه لاتینو به شخصی اطلاق شده است که متعلق به آمریکای لاتین است و یا این که اجداد او به زبان اسپانیایی سخن می‌گفته‌اند.

در دسترس کودک بر رشد وی تأثیرگذار است و افزایش تعامل گفتاری والدین - کودک در نتیجه استفاده از کتاب و اسباب‌بازی، این رابطه را توجیه می‌کند.

بر اساس پژوهش ویرهام^۱ و سالمون^۲ (۲۰۰۶) با موضوع «بحث‌های مادر و کودک درباره تجارب روزمره: رهنمودهایی برای مداخلات روان‌شناختی پیش از دبستان»، سال‌های قبل از دبستان، مرحله‌ای بسیار اساسی و تأثیرگذار بر تمام جوانب رشد کودک است و هر گونه اختلال در رشد شناختی و یا عاطفی - اجتماعی در این مرحله، نتایج نامطلوبی را برای کودک در پی خواهد داشت؛ بنابراین پرداختن به مداخلات درمانی که عملکرد کودکان پیش‌دبستانی مستعد آسیب‌های روان‌شناختی را بهبود می‌بخشد، گاه ضرورت می‌یابد. ویرهام و سالمون در این مطالعه به بررسی پژوهش‌هایی پرداختند که موضوع آنها تأثیر مباحثه و تعامل زبانی والدین بر رشد شناختی و نیز رشد عاطفی - اجتماعی کودک بود. بر اساس دیدگاه این پژوهشگران، مادرانی که کودک خود را به سمت تفکر و بحث موشکافانه و عمیق درباره تجارب گذشته سوق می‌دهند، به افزایش توانایی کودک خود در یادآوری و تعریف تجارب روزمره کمک بسیار می‌کنند. در این پژوهش، به بسیاری از مطالعاتی اشاره شد که حاکی از تأثیر مباحثه بر خودشناسی و دیدگاه جامعه‌شناختی کودک، زبان و سوادآموزی او و حتی بر کیفیت رابطه کودک با مادر است. در مجموع، نتایج این مطالعه نشان داد که والدین می‌توانند شیوه تأثیرگذاری بر کودک، از طریق تعامل زبانی با وی، را بیاموزند.

ریج کبر^۳ و همکاران او (۲۰۱۰) نیز نشان دادند که کودکان، تا حدی همان طرحواره‌های ذهنی افراد بالغ و بزرگسال را دارا هستند؛ هرچند که برخی از طرحواره‌های ذهنی، خاص کودکان است.

¹ Wareham

² Salmon

³ Rijkeboer

۳. روش پژوهش

۳.۱. جامعه آماری و حجم نمونه

جامعه آماری پژوهش حاضر، شامل کلیه کودکان پیش دبستانی پنج ساله شهر ایلام در سال تحصیلی ۱۳۹۰-۱۳۹۱ است که تعداد آنها به تفکیک جنسیت و نیز در مجموع، در جدول ذیل آمده است^۱:

جدول ۱. تعداد کودکان جامعه آماری به تفکیک جنسیت

مجموع	پسر	دختر
۳۴۲۴ نفر	۱۶۶۰ نفر	۱۷۶۴ نفر

نظر به این که نوع پژوهش، همبستگی است، نمونه آماری انتخاب شده شامل ۱۰۰ کودک (۵۰ دختر و ۵۰ پسر) می باشد.

۳.۲. روش نمونه گیری

روش نمونه گیری در پژوهش حاضر خوشه ای چندمرحله ای است زیرا با توجه به حجم زیاد جامعه آماری، انتخاب نمونه به طور مستقیم از اعضای جامعه امکان پذیر نبود. بنابراین از واحدهای پیش دبستانی سطح ۲، به جای فرد، به عنوان واحد نمونه گیری استفاده شد بدین ترتیب که تعداد ۱۰ پیش دبستانی سطح ۲ (معادل ۱۰ خوشه) انتخاب شد. از هر خوشه، کودکانی انتخاب شدند که مشخصات زیر را دارا بودند:

۱. پدر و مادر کودک، کردزبان بودند اما با کودک خود به گونه فارسی تکلم می کردند.
۲. کودک به گونه فارسی تکلم می کرد.
۳. بهره هوشی کودک در سطح بهنجار بود.

^۱ این اطلاعات از دفتر آمار اداره آموزش و پرورش شهرستان ایلام در سال تحصیلی ۱۳۹۰-۱۳۹۱ اخذ شده است.

۴. کودک دوره پیش دبستانی سطح ۱ را نگذرانده بود. حضور کودک در مراکز آموزشی خارج از خانه میزان شفافیت تعامل مادر و کودک را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

۳.۳. ابزارهای پژوهش، روش اجرا و نمره‌گذاری

به منظور جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز در این پژوهش، از پنج نوع ابزار استفاده شده است:

الف) آزمون و کسلر پیش دبستانی

با توجه به این که نمونه آماری این پژوهش تنها متشکل از کودکان پیش دبستانی بهنجار (کودکان با هوش متوسط) است، تنها کودکانی انتخاب شده‌اند که بهره هوشی آنها از ۹۰ تا ۱۰۹ است^۱. برای نیل به این هدف، از مقیاس هوشی و کسلر برای کودکان پیش دبستانی و دبستانی^۲ استفاده شده است. این مقیاس، هوش کلامی و هوش عملی کودکان بین ۴ تا ۶/۵ سال را اندازه‌گیری می‌کند.

ب) مصاحبه

بنابر نظر سرمد و همکاران (۱۳۸۱)، مصاحبه از ابزارهای جمع‌آوری داده‌هاست که در مقایسه با سایر ابزارها امکان تماس مستقیم با مصاحبه‌شونده و ارزیابی دقیق‌تر ادراک و نگرش وی، امکان پیگیری پاسخ‌ها و پیدا کردن علل آنها و نیز کسب اطمینان از درک سوالات از سوی آزمودنی را فراهم می‌آورد. در مصاحبه می‌توان به مقاومت آزمودنی در برابر برخی سوالات پی برد. در این بررسی، به منظور سنجش میزان و چگونگی تعامل مادر و کودک، از شیوه مصاحبه سازمان‌یافته استفاده شده است. در مصاحبه سازمان‌یافته، مصاحبه‌گر از پیش، سوالات مورد نظر و گزینه‌های پاسخ را طراحی می‌کند (همان).

^۱ بهره هوشی کودکان مورد مطالعه به کمک یک روان‌شناس (از اعضای انجمن روان‌شناسی ایران) مورد سنجش قرار گرفته است.

^۲ Wechsler Preschool and Primary Scale of Intelligence (WPPSI)

نظر به این که در این بررسی هدف پژوهشی جدیدی انتخاب شده، سئوالات متن مصاحبه بعد از مطالعات وسیع و با بهره‌گیری از نظر افراد متخصص، طراحی شده است.

دلایل انتخاب مصاحبه سازمان یافته به شرح زیر است:

۱. با توجه به این که هدف پژوهش حاضر، آزمون فرضیه‌هاست، طراحی یک مصاحبه سازمان یافته، امکان پیش رفتن در جهت بررسی فرضیه‌ها را فراهم می‌آورد.

۲. نظر به حجم بالای نمونه و لزوم نمایش یک کارتون داستانی و استفاده از پنج ابزار متفاوت و نیز با توجه به محدودیت منابع زمانی و مادی، استفاده از مصاحبه سازمان یافته می‌توانست به کوتاه‌تر شدن زمان اجرای پژوهش کمک کند.

۳. ساختار مصاحبه سازمان یافته می‌توانست بررسی و تحلیل داده‌ها را آسان‌تر کند.

متن مصاحبه ۲۴ سؤال داشت که هر سؤال دارای ۴ تا ۵ گزینه بود. به هر گزینه، با توجه به سهمی که در میزان تعامل مادر و کودک داشت، امتیازی بین ۱ تا ۵ تعلق می‌گرفت. نمره نهایی هر آزمودنی، حاصل جمع امتیاز گزینه‌های انتخاب شده بود. بیشترین نمره مصاحبه را مادرانی کسب می‌کردند که بیشترین و مناسب‌ترین تعامل را با کودک خود داشتند.

ج) داستان نمایش داده شده برای کودک

از مهم‌ترین مواردی که در این پژوهش با آن روبه‌رو بودیم، انتخاب داستانی متناسب با خصوصیات کودکان پیش‌دبستانی ۵ ساله بود. ویژگی‌های خاص این گروه سنی، ضرورت انتخاب داستانی کوتاه را ایجاب می‌کرد؛ به علاوه، جذابیت داستان به منظور جلب توجه کودک و جلوگیری از خستگی او نیز از مهم‌ترین مواردی بود که باید به آن توجه می‌شد. ویژگی دیگری که در انتخاب داستان مد نظر قرار گرفت، ملموس بودن و واقعی بودن

وقایع متن داستان بود. نمایش یک کارتون داستانی جذاب، در مقایسه با قصه‌گویی یا خواندن کتاب برای کودک، می‌توانست پاسخگوی ضرورت‌های مذکور باشد. در پی دست یافتن به داستانی با این ویژگی‌ها، بیش از ۱۰۰ کارتون داستانی، ویژه کودکان گروه «الف»، بررسی و از میان آنها داستان «خرس و دو گردشگر» انتخاب شد. بعد از نمایش داستان برای کودک، بلافاصله از او خواسته می‌شد داستان را تعریف (روایت) کند. روایت‌های کودکان با استفاده از یک دوربین فیلم‌برداری، به گونه‌ای نامحسوس، ضبط می‌شد. در پایان، هر کودک به‌عنوان قدردانی هدیه‌ای دریافت می‌کرد.

د) معیار ارزیابی گزاره‌ها

به‌منظور ارزیابی مفاهیم ذهنی کودک که در خلال روایت داستان نمود پیدا می‌کرد، معیاری تعیین شد که شامل ۷۵ بند بود. این معیار بر اساس محتوای گزاره‌ای داستان نمایش داده‌شده برای کودک ساخته شده بود. در صورتی که کودک به هر یک از مفاهیم مطرح‌شده اشاره می‌کرد، ۱ امتیاز به وی تعلق می‌گرفت. تنها تعداد معدودی از مفاهیم از امتیاز ۲ برخوردار بودند. اگر کودک دقیقاً به اصطلاحات زبانی مطرح‌شده در متن داستان اشاره می‌کرد، به ازای هر مورد، ۲ امتیاز به او داده می‌شد.

ه) معیار ارزیابی پاره‌ای از ویژگی‌های زبانی

بر اساس این معیار، تعداد جملات ساده، مرکب، پیچیده و مرکب پیچیده در روایت هر کودک محاسبه شد. پیچیدگی جملات به‌عنوان یک فاکتور مثبت ارزش‌گذاری در نظر گرفته شد. جملات ساده، کمترین امتیاز و جملات مرکب پیچیده، بیشترین امتیاز را داشتند. جملات مرکب و پیچیده، به‌لحاظ ارزشی، بین دو انتهای طیف قرار می‌گرفتند. به‌علاوه، جملات ناقص، تخطی از مطابقت نهاد و گزاره (از نظر شخص و شمار) و ناهماهنگی فعل‌ها از نظر زمان، به‌عنوان عوامل منفی تأثیرگذار بر کیفیت روایت کودک، در بررسی نهایی دخالت داده شد. لازم به ذکر است که در این بخش از بررسی، تعریف سنتی جمله مبنا قرار گرفت.

۳. ۴. تجزیه و تحلیل اطلاعات

در این مرحله از مطالعه، بر اساس اطلاعاتی که از طریق ابزارهای استفاده شده به دست آمد، فرضیه‌های پژوهش به طور جداگانه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

فرضیه اول:

«بین درون‌داد تعاملی مناسب از جانب مادر و غنای طرحواره‌های محتوایی در ذهن کودک، همبستگی مثبت وجود دارد.»

طی فرآیند بررسی فرضیه اول، ابتدا بر اساس سئوالات مصاحبه، درون‌داد تعاملی از جانب مادر مورد سنجش قرار گرفت و میزان آن مشخص شد. سپس میزان غنای طرحواره‌های محتوایی با استفاده از معیار ارزیابی محتوای گزاره‌ای، بررسی و در مرحله آخر، رابطه بین دو متغیر فرضیه اول با استفاده از آزمون پیرسون^۱ تحلیل شد.

جدول ۲. نتیجه حاصل از بررسی رابطه بین متغیرهای درون‌داد تعاملی

و غنای طرحواره‌های محتوایی با استفاده از آزمون پیرسون

رابطه بین متغیرهای درون‌داد تعاملی و غنای طرحواره‌های محتوایی	
ضریب همبستگی پیرسون	۰/۸۲۳
سطح معنی‌داری	۰/۰۰۰
تعداد	۱۰۰

نتایج ضریب همبستگی پیرسون نشان داد چون $r=0/823$ با $p=0/000$ از $\alpha=0/05$ کوچک‌تر است، رابطه بین دو متغیر - از نظر آماری - معنی‌دار می‌باشد. این رابطه، مثبت و مستقیم است یعنی با افزایش یک متغیر، متغیر دیگر افزایش می‌یابد. به بیان روشن‌تر، بین متغیرهای درون‌داد تعاملی مناسب از جانب مادر و غنای طرحواره‌های محتوایی در ذهن کودک، به میزان ۸۲/۳ درصد همبستگی مثبت وجود دارد. بر این اساس، فرضیه تأیید

¹ Pearson

می‌شود. با استفاده از این میزان همبستگی، می‌توان میزان غنای طرحواره‌های محتوایی گروه‌های دیگری از کودکان را با دقت بالایی پیش‌بینی کرد.

فرضیه دوم:

«بین درون‌داد تعاملی مناسب از جانب مادر و توانایی زبانی کودک در روایت‌گویی، همبستگی مثبت وجود دارد.»

بر مبنای روند ارزش‌گذاری متغیرها، درون‌داد تعاملی و نیز توانایی زبانی کودک به مقیاس فاصله‌ای تبدیل شد. برای بررسی رابطه بین این دو متغیر، از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد.

جدول ۳. نتیجه حاصل از بررسی رابطه بین متغیرهای درون‌داد تعاملی

و توانایی زبانی کودک با استفاده از آزمون پیرسون

رابطه بین متغیرهای درون‌داد تعاملی و توانایی زبانی کودک	
۰/۶۸۹	ضریب همبستگی پیرسون
۰/۰۰۰	سطح معنی‌داری
۱۰۰	تعداد

نتایج ضریب همبستگی پیرسون نشان داد چون $r=0/689$ با $p=0/000$ از $\alpha=0/05$ کوچک‌تر است، رابطه بین دو متغیر از نظر آماری معنی‌دار می‌باشد. این رابطه، مثبت و مستقیم است یعنی با افزایش یک متغیر، متغیر دیگر افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر، بین متغیرهای درون‌داد تعاملی مناسب از جانب مادر و توانایی زبانی کودک، به میزان ۶۹ درصد همبستگی مثبت وجود دارد. بر این اساس، فرضیه تأیید می‌شود. با استفاده از این میزان همبستگی، می‌توان توانایی زبانی گروه‌های دیگر از کودکان را با دقت بالایی پیش‌بینی کرد.

۴. بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر، مطالعه رابطه بین درون‌داد تعاملی از جانب مادر با رشد شبکه اطلاعاتی و نیز با رشد طرحواره‌های ذهنی کودک بود. بررسی فرضیه‌های این پژوهش نشان داد کودکانی که در معرض تعامل مطلوب و به‌میزان کافی با مادر قرار می‌گیرند، از نظر غنای طرحواره‌های محتوایی و برون‌دادهای زبانی، از توانایی بیشتری برخوردارند.

در گروه‌های متفاوت کودکان، گستره وسیعی از تفاوت‌ها وجود دارد که بسیاری از آنها در امر آموزش نقش حیاتی دارند. اطلاع از این‌گونه تفاوت‌های فردی، در مراحل بالاتر رشد کودک، والدین و معلمان را وامی‌دارد که روش‌های آموزشی خود را با خصوصیات کودک سازگار کنند. این پژوهش، با آشکار نمودن تفاوت‌های اساسی کودکان با یکدیگر، تا حدی می‌تواند برای مربیان و آموزگاران کودک حاوی این پیام باشد که آگاهی از خصوصیات هر کودک و تحلیل اصولی آنها، پیش از شروع امر آموزش، مهم‌ترین و اساسی‌ترین مرحله آموزش است.

رفتارهای کودک و دانش او می‌تواند، تا حد زیادی، انعکاس رفتار و آگاهی والدین، به‌عنوان بخش بزرگی از عامل محیطی وی، باشد. اما گاهی ما تمام معایب و نقایص را به کودک نسبت می‌دهیم. با روشن شدن تأثیر عمده‌ای که والدین و به‌خصوص مادر می‌توانند در بروز رفتارهای کودک داشته باشند، وظیفه سنگین آنان در برقراری ارتباط و تعامل درست و منطقی با کودک آشکارتر می‌شود و نیز این که هرگاه والدین خواستار ایجاد تحولی در کودک باشند، ابتدا باید آن تحول را در مورد خویشتن اعمال نمایند.

با توجه به این که یادگیری معنادار، مشروط به مرتبط شدن اطلاعات جدید با دانش پیشین است، از جمله نتایج این پژوهش می‌تواند آگاه نمودن والدین از اهمیت دانش پیشین، به‌منظور سوق دادن آنها در جهت تلاش برای گسترش شبکه دانش و اطلاعات کودکانشان باشد. این مطالعه، یادآور پاره‌ای از خلأهای موجود در رشد شناختی و ارتباطی برخی از کودکانی است که به‌دلیل بی‌اطلاعی یا کم‌توجهی والدین، از نظر اطلاعات و تعاملات فردی و اجتماعی فقیر مانده‌اند.

در آخر، می‌توان به‌عنوان پاره‌ای از دستاوردهای این پژوهش و پژوهش‌هایی شبیه به آن، به موارد ذیل اشاره کرد:

الف) کمک به والدین برای پیشگیری از بروز مسائل و مشکلات مربوط به رشد قوای ذهنی در کودکان (والدین می‌توانند از طریق مطالعه و تمرین، مهارت‌های لازم برای پرورش بهتر قوای شناختی و ذهنی فرزندانشان را کسب کنند).

ب) کمک به والدین و مربیان کودک برای آموزش به کودکان جهت فعال‌سازی طرحواره‌های ذهنی متناسب با یادگیری‌های جدید

ج) کمک به نویسندگان و پژوهشگران کتاب و برنامه‌های کودک برای تدوین آثار روایی و داستانی متناسب با توانایی‌های گروه‌های متفاوت کودکان

د) تقویت مهارت‌های کلامی و روایی کودک (روایت‌گویی کودکان، منبع آموزشی مهم و مؤثری برای خود آنان است زیرا کودک در جریان تولید و تصحیح خود می‌تواند بسیاری از مهارت‌های کلامی و روایی را بیاموزد که البته این امر در صورت استمرار روند روایت‌گویی کودک به کمک یک تعاملگر آگاه محقق می‌شود).

ه) تقویت باور ما به ضرورت حضور مشاورین خبره در کتابخانه‌ها و مراکز عرضه کتاب و برنامه که بر اساس آزمون‌های خاص برای هر یک از کودکان، کتاب‌ها و برنامه‌های متناسب و درخور رشد فکری و دانش پیشین آنان را به والدین پیشنهاد نمایند (که البته این موضوع در صورتی تحقق می‌یابد که پژوهشگران و نویسندگان برنامه‌ها و کتاب‌های کودک نیز نقش خود را در تدوین آثار هماهنگ با توانایی‌های گروه‌های مختلف کودکان ایفا کرده باشند و این مسئله نیز، به نوبه خود، وابسته به کار پژوهشگرانی است که در زمینه توانایی‌های فردی کودکان به مطالعه و بررسی می‌پردازند).

منابع

- اتکینسون، ریتا ال. و همکاران (۱۳۸۵). متن کامل زمینه روان‌شناسی هیلگارد. ترجمه محمدنقی براهنی و همکاران. تهران: رشد.
- برک، لورا (۱۳۸۷). روان‌شناسی رشد: از لقاح تا کودکی. ترجمه یحیی سیدمحمدی. تهران: ارسباران.
- چاوش خاتمی، آزاده (۱۳۸۵). بررسی شگردهای روایت در ادبیات کودک و نوجوان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- حجازی، بنفشه (۱۳۸۷). ادبیات کودکان و نوجوانان: ویژگی‌ها و جنبه‌ها. تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- رافی، سو (۱۳۸۷). راهنمای رفتار با کودک. ترجمه نسرین بهادرانی. تهران: کلام شیدا.
- ریچاردز، جک و ریچارد اشمیت (۱۳۸۴). فرهنگ توصیفی آموزش زبان و زبان‌شناسی کاربردی. ترجمه ابراهیم چگنی. تهران: رهنما.
- سرمد، زهره و همکاران (۱۳۸۱). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. تهران: آگاه.
- شولتز، دوان و سیدنی الین شولتز (۱۳۸۷). نظریه‌های شخصیت. ترجمه یحیی سیدمحمدی. تهران: نشر ویرایش.
- ضیاءحسینی، سیدمحمد (۱۳۸۴). درآمدی بر روان‌شناسی زبان. تهران: رهنما.
- گاتمن، جان و جون دکلر (۱۳۸۷). کلیدهای پرورش هوش عاطفی در کودکان و نوجوانان. ترجمه فرناز فرود. تهران: صابرین.
- گلاور، جان ای. و راجر اچ. برونینگ (۱۳۸۳). روان‌شناسی تربیتی: اصول و کاربرد آن. ترجمه علینقی خرازی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- گینات، هایم جی. (۱۳۸۴). رابطه بین والدین و کودکان: راه‌حل‌های جدید برای مسائل قدیمی. ترجمه سیاوش سرتیپی. تهران: اطلاعات.
- یوران، زینب (۱۳۸۷). بررسی جامعه‌شناختی داستان‌نویسی کودکان از طریق روایت‌های

خود کودکان از داستان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان‌شناسی همگانی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تاکستان.

- Beck, R.J. & K.A. Clarke-Stewart (1998). "Improving 5-year- Old's Narrative Recall and Comprehension". *Journal of Applied Developmental Psychology*. 19 (4). pp. 543-569.
- Brown, G. & G. Yule (1989). *Discourse Analysis*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Habermas, T. et al. (2010). "'Honey, You're Jumping about"—Mothers' Scaffolding of their Children's and Adolescents' Life Narration". *Cognitive Development*. 25. pp. 339-351.
- Justice, L.M. et al. (2010). "A Scalable Tool for Assessing Children's Language Abilities within a Narrative Context: The NAP (Narrative Assessment Protocol)". *Early Childhood Research Quarterly*. 25. pp. 218-234.
- Rijkeboer, M.R. & G.M. de. Boo (2010). "Early Maladaptive Schemas in Children: Development and Validation of the Schema Inventory for Children". *Journal of Behavior Therapy and Experimental Psychiatry*. 41. pp. 102-109.
- Tomopoulos, S. et al. (2006). "Books, Toys, Parent-Child Interaction, and Development in Young Latino Children". *Ambulatory Pediatrics*. 6 (2). pp. 72- 78.
- Wareham, P. & K. Salmon (2006). "Mother-Child Reminiscing about Everyday Experiences: Implications for Psychological Interventions in the Preschool Years". *Clinical Psychology Review*. 26. pp. 535-554.
- Wenner, J.A. et al. (2008). "Becoming a Teller of Tales: Associations between Children's Fictional Narratives and Parent-child Reminiscence Narratives". *Journal of Experimental Child Psychology*. 101. pp. 1-19.
- Yule, G. (2006). *The Study of Language* (3rd ed.). Cambridge: Cambridge University Press.
- Ziahosseiny, S.M. (2007). *Selected Articles on Linguistics, Methodology, Translation & Literature*. Tehran: Rahnama.
- _____ (2009). *Teaching English*. Tehran: Rahnama.